



## مقدمه

یورش مغولان در قرن سیزدهم میلادی تاثیر تعیین کننده‌ای بر شکل دهی هویت اجتماعی-فرهنگی جدید در بخش‌های بزرگی از جهان اسلام گذارد. تاثیر هنری از سایر ملل و تلاش‌های هویتی ایرانیان، به زبان هنری منحصر به فردی تبدیل شد که خود به عنوان سبکی مستقل تعریف می‌شود (شراتو و گروه، ۱۳۷۶: ۳). در پی تعاملات ایرانیان با حاکمان ایلخانی جدید و تعامل با تمدن‌های شرقی و غربی در پی رونق تجارت و جاده ابریشم، فرهنگ ایرانی در مواجهه با سایر فرهنگ‌ها قرار گرفت. بر اساس دیدگاه استوارت هال، هویت در فرآیند مواجهه‌های فرهنگی سیال است. به گونه‌ای که در اثر تماس با آنها، هویت‌ها مجدداً باز تولید و بازسازی شده و تلاش می‌کنند که در عین پذیرش عناصر جدید، برخی ارزش‌ها و نشانه‌های کلیدی خود را حفظ و یا بر آن تاکید کنند (ن. ک. هال ۱۳۸۳؛ هال ۱۳۹۶). از سویی دیگر در ایران، وزرا و بزرگان و هنرمندان ایرانی دوره ایلخانی نیز از راه‌های گوناگون سعی در بازنمایی عناصر هویت ایرانی و احیای آن داشتند. در این بستر، کاخ آباقا در تخت سلیمان به عنوان نمادی از بازآفرینی هویت ایرانی در این دوره نشان دهنده این مذاکره فرهنگی است. این کاخ که در محل آتشکده آذرگشنسب، یکی از سه آتشکده مهم ساسانیان احداث شده است، گنجینه‌ای نهان از کتیبه‌ها و اشعار در خود دارد که بر کاشی‌های آن نقش بسته است. این گنجینه ما را به فرهنگ، اعتقادات و قدرت ادبی آن دوران رهنمون می‌سازد. کاشی و تزیینات بنا به عنوان رسانه در پی برقراری ارتباط با مخاطب است. از طرف دیگر شعر به راحتی می‌تواند با محتوای خود، مخاطب را تحت تاثیر قرار داده و با زبانی گویا با افراد ارتباط برقرار کند. بنابراین انتخاب اشعار هدفمند بوده و هنرمند از طریق آنها جهان بینی، نگرش و منش خود و یا حالت آرمانی آن را به تصویر می‌کشد. نوشتار بر روی کاشی که از اواخر دوره سلجوقی آغاز شده بود در دوران ایلخانی فزونی می‌گیرد و هنرمندان از اشعار و خط و نوشته در کنار نقاشی برای تزیینات بهره می‌برند. در این دوران زبان فارسی به گستردگی وارد کتیبه‌ها شده و از اشعار فارسی و به ویژه شاهنامه برای تزیین بناها استفاده شده است. این اشعار ارتباط نزدیکی با فرهنگ و ادبیات زمانه و ذوق و سلیقه شخصی هنرمند و سفارش دهنده اثر دارند. بنابراین از منظر ارتباط این مساله با هویت و مواجهه فرهنگی حائز اهمیت است. بررسی اشعار فارسی کاشی‌های تخت سلیمان این سوال را پدید می‌آورد که نقش کتیبه‌ها در تعامل و یا تقابل فرهنگی چیست و هویت

ایرانی چگونه در کتیبه‌های کاشی‌های تخت سلیمان متجلی گردیده است؟ بنابراین، هدف این پژوهش آن است که با اتکا به نظریه هویت استوارت هال و به روش مقاومت فرهنگی، به بررسی دقیق مضامین اشعار فارسی نقش بسته بر کاشی‌های معماری تخت سلیمان پرداخته و نشان دهد که این اشعار چگونه در بستر مواجهه فرهنگی دوره ایلخانی، نقش فعالی در بازنمایی مؤلفه‌های هویت ایرانی ایفا کرده‌اند. بررسی این کتیبه‌ها می‌تواند به درک چگونگی تعامل و مقاومت فرهنگی در برابر جریان‌های وارداتی کمک کند. علی‌رغم اهمیت این کتیبه‌ها در کشف فضای فکری دوران پیش گفته، در مطالعات تحلیلی کمتر به آنها پرداخته شده است و در مطالعات انجام شده تنها به خوانش آنها بسنده شده است.

با وجود پژوهش‌های متعدد درباره ویژگی‌های فنی، تصویری و نمادشناختی کاشی‌های تخت سلیمان، تاکنون کمتر به محتوای اشعار نقش بسته بر این کاشی‌ها به عنوان ابزاری فعال در بازنمایی هویت ایرانی توجه شده است. مسئله این پژوهش آن است که در مواجهه فرهنگی ناشی از یورش مغول و گسترش روابط فرهنگی جاده ابریشم، چگونه عناصر هویت ایرانی نه فقط حذف یا کمرنگ، بلکه به شیوه‌ای نمادین و در قالب شعر فارسی در تزیینات معماری باز تولید و تقویت شده‌اند. این پژوهش می‌کوشد تا با بررسی دقیق مضامین اشعار کاشی‌ها، نشان دهد که هنر نوشتاری چگونه در فضای فرهنگی دوره ایلخانی به ابزاری برای بازنمایی و حفظ مؤلفه‌های اساسی هویت ایرانی بدل شده است.

## پیشینه تحقیق

برخی از پژوهشگران هنر، به پژوهش درباره کاشی و سفال این دوران، فن ساخت و نقش و لعاب آن پرداخته‌اند. بیشتر این تحقیقات از جمله پژوهش‌های آرتور پوپ<sup>۲</sup> و ارنست گروه<sup>۳</sup> و ریچارد اتینگهاوزن<sup>۴</sup> و نیز محمد یوسف کیانی و واتسون<sup>۵</sup> به صورت کلی و اجمالی به سفال دوره‌های مختلف و از جمله سفال ایلخانی پرداخته‌اند. این تحقیقات، بیشتر ویژگی‌های شکلی و ظاهری و روش‌های ساخت را مورد بررسی قرار داده‌اند. در رابطه با کاشی‌های تخت سلیمان، زهره کامران آزاد (۱۳۹۱) در پایان‌نامه کارشناسی ارشد خود با عنوان «بازتاب گفتمان عصر ایلخانی بر کاشی‌های زرین‌فام تخت سلیمان» به بررسی کاشی‌های زرین‌فام کاخ آباقاخان در تخت سلیمان با هدف بیان مشروعیت حاکمیت از طریق نظام‌های تصویری پرداخته است. در این تحقیق صرفاً به گفتمان قدرت در قالب نمادشناسی نقش‌مایه‌های مورد استفاده در تزیینات پرداخته شده است و به سایر گفتمان‌های فرهنگی

هویتی آنها بر اساس نظریه هال مورد بررسی قرار نگرفته‌اند و امید است پژوهش حاضر پرتویی بر این موضوع بیفکند. یافته‌های این تحقیق می‌توانند در مطالعات هویت، هنر و معماری اسلامی-ایرانی و همچنین در حوزه مطالعات بین فرهنگی مورد استفاده قرار گیرند.

### روش تحقیق

پژوهش به روش توصیفی-تحلیلی و مبتنی بر آرای هال در رابطه با هویت انجام گرفته است. اطلاعات بر مبنای اسناد و مدارک موجود در کتابخانه‌ها و مشاهدات موزه‌ای متکی است. گردآوری اطلاعات بر گرفته از منابع و متون مرتبط با کاشی ایلخانی، هویت ایرانی و بررسی احوالات شاعران است. یکی از روش‌های کارآمد برای تحلیل کیفی متون، مقاومت فرهنگی است. به طور کلی مقاومت فرهنگی مراحل زیر را در پی می‌گیرد: دیدن متن، برداشت و درک مناسب از داده‌های ظاهرا نامرتبط، تحلیل اطلاعات کیفی و مشاهده نظام‌مند (4; Boyatzis, 1998). به دلیل توانایی این روش در کشف لایه‌های معنایی و فرهنگی و تفسیر عمیق ارزش‌ها و باورهای نهفته، ابزاری موثر در بررسی موضوعات فرهنگی است. از این رو، برای تحلیل اشعار ادبی که سرشار از کنایه‌ها و مضامین نهفته هستند، روش پیش گفته انتخاب شده است. اشعار کاشی‌های تخت سلیمان به روش مقاومت فرهنگی به روش پیشنهادی براون<sup>۶</sup> و کلارک<sup>۷</sup> مورد تحلیل قرار می‌گیرند. مرحله اول: آشنایی با داده‌ها؛ در این مرحله داده‌ها مکرر بازخوانی شده و به صورت فعال مورد بررسی قرار می‌گیرند. مرحله دوم: ایجاد کدهای اولیه، پس از بررسی متون، عبارات مرتبط استخراج می‌گردند. مرحله سوم: دسته‌بندی کدهای مختلف در مقوله‌های مشخص، حذف کدهای تکراری و مقوله بندی مضامین. مرحله چهارم: بازبینی مضامین؛ در این مرحله مضامین، بازبینی و اعتبار سنجی می‌شوند و شاخص‌های فاقد ارزش در راستای پژوهش حذف می‌شوند. مرحله پنجم: تعریف و نامگذاری مضامین؛ مضامین نامگذاری شده و دسته بندی می‌شوند و برای هر دسته از کدها مضمون مشخصی در نظر گرفته می‌شود. مرحله ششم: تهیه گزارش؛ در این مرحله مضامین به دست آمده با تحلیل کیفی توضیح داده می‌شوند (Braun & Clark, 2006).

از این بنا تعداد زیادی کاشی‌های شکسته و تعدادی کاشی سالم به دست آمده که نشان می‌دهد داخل و خارج این کاخ با کاشی تزئین شده بوده است. برخی پژوهشگران، تعداد این کاشی‌ها را به جز نمونه‌های کامل موزه‌ای شامل ۵۴۰۰ قطعه کاشی ذکر کرده‌اند (کفیلی، ۱۴۰۱). از آنجایی

با کتیبه‌ها به صورت تفصیلی نپرداخته است. نیره طهوری (۱۳۸۱) نیز در دو مقاله با عنوان‌های «جستجوی مفاهیم نمادین کاشی زرین فام» و «کاشی‌های زرین فام دوره ایلخانان مغول» به صورت کلی به بررسی کاشی‌های زرین فام دوره ایلخانی و نمادهای مورد استفاده در آنها پرداخته است. این مطالعات محدود به کاشی‌های تخت سلیمان نیستند و بسیار کلی به بررسی نقوش پرداخته‌اند. فریده طالب‌پور (۱۳۸۷) در مقاله «بررسی نقوش کاشی‌های کاخ آباقاخان در تخت سلیمان» پس از بیان کلیاتی از کاشی‌کاری در دوره ایلخانی به تاثیر هنر چین بر هنر این دوره پرداخته و طبقه بندی مختصری از نقوش کاشی‌های کاخ آباقاخان ارائه می‌دهد. در رابطه با کتیبه و شعر فارسی در کاشی، اوکین (۲۰۰۶) در مقاله‌ای با عنوان ظهور شعر فارسی در آثار هنر اسلامی، که فصلی از کتاب «فراتر از افسانه چنگیزخان» را تشکیل می‌دهد به ظهور شعر فارسی در هنر اسلامی و کتیبه‌های این دوران پرداخته و به کتیبه‌های فارسی تخت سلیمان نیز اشاره می‌کند. او علت محبوبیت شعر فارسی را صوفی‌گری و حمایت دربار از تصوف می‌داند. ملیکیان شیروانی (۱۹۹۶) نیز علاوه بر خوانش برخی کتیبه‌های تخت سلیمان حاوی ابیات شاهنامه بر اهمیت نمادین عبارات آن تاکید کرده است. ماسویا (۱۹۹۷) در رساله دکتری خود با عنوان «بخش ایلخانی تخت سلیمان» مطالعه جامعی از ابعاد تزئینی، ساختاری و کارکردی بخش ایلخانی تخت سلیمان انجام داده است. او مجموعه کاشی‌های تخت سلیمان را با سایر کاشی‌های قرون سیزدهم و چهاردهم میلادی مقایسه کرده است و سعی بر آن داشته است تا شاخصه‌های ایلخانی مشاهده شده در کاخ تخت سلیمان را با استفاده از منابع فارسی، چینی و سایر منابع تاریخی در کنار اشیای به دست آمده از حفاری‌های باستان‌شناسی و گزارش‌ها روشن سازد. این اثر که کامل‌ترین مجموعه منسجم از کاشی‌های تخت سلیمان را ارائه می‌دهد، علی‌رغم اشاره مختصر به نقوش ایرانی و چینی در این کاشی‌ها، نگاه تحلیلی به کتیبه‌ها نداشته است. ایو پرتز (۲۰۲۱) در مقاله‌ای با عنوان «کاشی‌های سخنگو از کاخ‌های پنهان» به بررسی برخی کاشی‌های منسوب به تخت سلیمان پرداخته و برخی ابیات آنها را خوانش کرده است و در صدد آن است تا وجود کاخ‌های دیگر ایلخانی را به جز تخت سلیمان به کمک کاشی‌ها به اثبات رساند. پژوهش‌های پیش‌گفته بر ابعاد ساختاری و معماری تخت سلیمان تمرکز داشته‌اند و محتوای ادبی و هویتی کتیبه‌ها کمتر مورد بررسی قرار گرفته است. در هیچ یک از مطالعات ذکر شده مضمون اشعار کتیبه‌های خوانش شده تخت سلیمان و وجه اشتراک

که خاستگاه تعدادی از کاشی‌های خوانش شده از این دوران به طور قطع مشخص نیست و همه آنها نیز دارای کتیبه نیستند، تنها کاشی‌های خوانش شده توسط عبدالله قوچانی که از کاوش‌های تخت سلیمان به دست آمده‌اند به عنوان جامعه آماری پژوهش حاضر در نظر گرفته شده‌اند. قوچانی در کتاب خود درباره اشعار فارسی نوشته شده روی کاشی‌های تخت سلیمان، ۱۱۴ بیت کامل و ۹۳ بیت ناکامل را شناسایی کرده است (قوچانی ۱۹۹۲). از میان ۱۱۴ کاشی خوانش شده توسط قوچانی کاشی‌های ۹۳ و ۹۴ و ۹۵ و ۹۶ و ۹۸ و ۹۹ و ۱۰۰ و ۱۰۴ و ۱۰۵ و ۱۰۹ و ۱۱۰ و ۱۱۱ و ۱۱۳ و ۷۴ نواقصی دارند بنابراین این کاشی‌ها در مقاومت فرهنگی مورد بررسی قرار نگرفته‌اند، بنابراین ۱۰۰ قطعه مورد تحلیل قرار گرفته است.

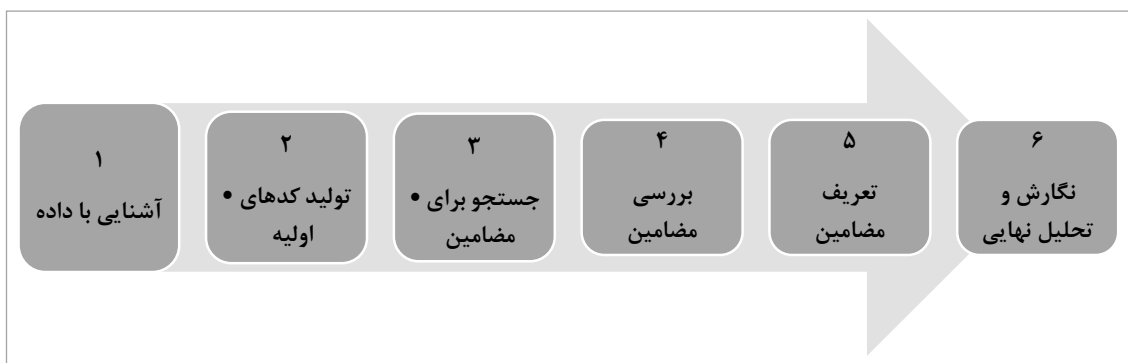
### هویت و مواجهه فرهنگی

مساله هویت از مهمترین موضوعات مطالعات فرهنگی است. مطالعات فرهنگی به مطالعه این امر می‌پردازد که افراد و گروه‌ها چگونه هویت خود را ساخته و مورد مذاکره قرار می‌دهند و یا اینکه چه درکی از خود دارند. به زعم هال هویت به مثابه محصولی است که هیچگاه کامل نیست، همیشه در جریان است و همیشه درون بازنمایی و نه بیرون از آن ساخته می‌شود (Hall, 1998). هال در مقاله «چه کسی به هویت نیاز دارد» به گفتمان‌های جدید و قدیمی مرتبط با هویت می‌پردازد. به زعم هال، هویت به شیوه‌ای تاریخی و نه بیولوژیکی تعریف شده و همگام با تغییرات تاریخی، سوزده در زمان‌های متفاوت هویت‌های مختلفی می‌پذیرد (هال، ۱۳۹۶: ۹). مصرف‌کنندگان محصول فرهنگی یا هویت‌های حاشیه‌ای منفعل نیستند بلکه برعکس موضعی فعالانه در برابر مواجهه فرهنگی اتخاذ می‌کنند. واکنش این هویت‌ها به دو گونه خواهد بود: اول رویکردی قدیمی، مشارکتی محور و

تدافعی که عمیقاً میل بازگشت به موقعیت ملی‌گرایی و هویت فرهنگی ملی را داراست و می‌کوشد تا دور خود حصار بکشد تا از گزند زوال ایمن بماند و دوم رویکردی که می‌کوشد با تفاوت سر کرده و همزمان بر آن فائق آید تا بر آن مسلط شده آن را مرتفع سازد یا استحاله کند (هال، ۲۵۵: ۱۳۸۳). در این مقاله هویت جمعی و ملی مدنظر است که در طول زمان شکل گرفته و پس از اینکه به صورت خاطره جمعی درآمد، تثبیت می‌شود. احساس یگانگی ملت و تعلق به جامعه تاریخی خاص مفهوم هویت ملی را به وجود می‌آورد، از آنجایی که هویت ملی عالی‌ترین و کلان‌ترین سطح هویتی است، هویت‌های دیگری همانند هویت دینی، نژادی، قومی و فرهنگی را نیز در برمی‌گیرد (احمدی، ۱۳۸۸: ۸۴-۸۲).

### مولفه‌های هویت ایرانی

هویت جغرافیایی و سیاسی، دینی، تاریخی و فرهنگی - اجتماعی بخش‌های مختلف هویت ایرانی را تشکیل می‌دهند. هویت ملی در ایران ریشه‌ای دیرپا داشته و ایرانیان همواره دیگران را با نام انیران شناخته و برای خود میراث مشترک انتقال‌ناپذیری در نظر می‌گیرند که آنها را از دیگر ملل متمایز می‌سازد (پارشاطر، ۱۳۶۸: ۵۲۱). پس از سقوط ساسانیان، دوران ایلخانی را می‌توان نخستین دوره‌ای دانست که در آن بستر و زمینه مناسب برای بازنمایی جنبه‌های گوناگون هویت ایرانی فراهم شد. این تمایل برای حفظ و بازنمایی هویت ایرانی در آثار مختلف هنری و ادبی این دوران تجلی یافته است که مهم‌ترین آنها شاهنامه‌های تاریخی منثور و منظوم هستند. از مهمترین عناصر هویت‌ساز، زبان است که عاملی مهم در ایجاد همبستگی و وحدت میان مردم یک قوم و ملت است. این مولفه هویتی فارغ از جغرافیا، دربردارنده و انتقال‌دهنده ارزش‌ها و باورهای مشترک است. پایه‌های اصلی ایران فرهنگی بر زبان فارسی استوار است و خاطره جمعی



از حکمت یونان را برای مشرق زمین در نظر گرفته است. اما سهروردی آنچه ابن سینا درباره حکمت مشرقی ارائه داده است را به اصول حکمت مشا نزدیکتر می‌داند تا حکمت مشرقی که نزد علمای خسروانی بوده است. او حکمای مشرق زمین را خسروانیون یا فلهویون نامیده و از شخصیت‌هایی همانند کیخسرو، کیومرث، فریدون، جاماسب و بوذرجمهر نام برده است (همان، ج ۲، ۵۰۴). حکمت خسروانی منشور بی‌بدیل و میراث عظیم ایران باستان است که گستره فراگیری از حکمت و فلسفه، شعر و ادبیات و حتی عرفان و تصوف را در یک قالب به نمایش می‌گذارد (آقاصفری، ۱۳۹۲: ۳۴).

### استفاده از زبان فارسی در تزیینات معماری دوران ایلخانی و پیوند آن با هویت ایرانی

پس از فتح ایران توسط اعراب در قرن هفتم میلادی، زبان فارسی به‌طور موقت در سایه زبان عربی قرار گرفت. شکوفایی فارسی به عنوان زبان ادبی، اولین بار در دربار سامانیان در حدود قرن نهم و دهم میلادی اتفاق افتاد اما این اتفاق فورا منجر به استفاده از آنها در آثار هنری و معماری نشد. این زبان در دوران غزنوی موجب اعتلای مقام میراث فرهنگی ایران و تجلی آن در ادبیات فارسی شد. (O'kane, 2006). زبان فارسی در دوران ایلخانی دوره نوزایی چشمگیری را از سر گرفت (لین، ۱۳۸۹: ۳۴۳) و با قدرت و صلابت سایر زبان‌ها را به حاشیه راند و در ایران گسترش یافت. کتاب‌های بسیاری در این دوران به زبان فارسی نگاشته شده و زبان فارسی به گفتمان مسلط تاریخ‌نگاری ایران-اسلامی تبدیل شد. علاوه بر تدوین آثار منظوم و منثور بسیاری به زبان فارسی، این زبان در تزیینات اشیای هنری و به ویژه تزیینات معماری به کار گرفته شد. به کارگیری زبان فارسی به تمایلات ملی‌گرایانه ایرانیان دامن زد (بویل، ۱۳۶۶: ۳۹۰). در جستجوی ردپای علت شکوفایی و محبوبیت استفاده از زبان فارسی در هنر، عواملی را می‌توان ذکر کرد که همه به نوعی نمودی از مقاومت و بازآفرینی هویت ایرانی هستند. این اشعار افراد بیشتری را مخاطب قرار داده و مشروعیت بیشتری را برای ایلخانان به همراه داشتند. همچنین نقش صنعتگران در نشان دادن دانش خود به زبان بومی‌شان و افتخار آنها به دستاوردهای خود از دیگر عوامل استفاده از شعر فارسی است. از سوی دیگر حضور و تثبیت موقعیت صاحب‌منصبان ایرانی در دستگاه حکومت و حمایت آنان از آثار هنری و معماری از دلایل رونق زبان فارسی در این دوران است (اقبال آشتیانی، ۱۳۶۵: ۵۱۳-۵۱۲). صوفی‌گری و حمایت دربار از تصوف در کنار تعالیم حکمت خسروانی از دلایل دیگر استفاده از شعر

ایرانیان در کالبد شعر و زبان فارسی دمیده شده است. پس از زبان، دیگر مولفه هویت فرهنگی، تاریخ فرهنگی و اندیشه سیاسی ایرانیان، پیوند میان تاریخ و اسطوره نزد آنان است. تجدید حیات ایران مرهون انعکاس اسطوره در شاهنامه فردوسی است. احیای زبان فارسی به عنوان یکی از مهمترین ارکان هویتی ایران در کنار روایت تاریخ و تفکرات، سنت‌ها و امور کشورداری با ویژگی و خصوصیات ایرانی، شاهنامه را به سند احیای هویت ملی تبدیل کرده است (پوپ، ۱۳۳۸: ۱۲). از مولفه‌های مهم هویت ایرانی، حکمت ایرانی است. این حکمت ریشه در مزدا به معنای دانش و قدرت داشته و بنابراین ایرانیان اعتقاد به دانشی برین داشتند که از آن توانایی زاده شده و بر همه عالم احاطه دارد. حکمت ایرانی بر اصل توحید است و از جنبه‌های ایدئالیستی برخوردار است. شور و عشق و شیدایی از حکمت ایرانی زاده می‌شود. تصوف از آغاز پیدایش با ایرانیان در پیوند بوده و بسیاری از شخصیت‌های عرفانی در طول تاریخ، ایرانی بوده‌اند. افرادی مانند نفیسی، زرین کوب، پولاک، اصل تصوف را ایرانی و برگرفته از دین زرتشت و مانویت می‌دانند (زرینکوب، ۱۳۸۵: ۲۱۶). همانگونه که بسیاری از صوفیان نخستین اسلامی، ایرانی بوده‌اند به عنوان نمونه حسن بصری که او را از نخستین صوفیان و پایه‌گذاران این تفکر می‌دانند در خانواده‌ای ایرانی متولد شد (ابن اثیر، ۱۹۸۵: ۱۲۴). از سوی دیگر در ادبیات عرفانی و صوفیانه از واژگانی مرتبط با ادیان ایرانی همانند کلمه مغ استفاده شده است. تلاش‌های سهروردی در پیوند فرهنگ ادیان ایران باستان با تصوف در مکتب حکمت اشراق و یادکردن صریح او از اساطیر و سنت‌های ایرانی، از دیگر شواهد این قول است (رضی، ۱۳۸۴: ۱۲۸). اگر فردوسی را احیاگر زبان فارسی و هویت تاریخی بدانیم، سهروردی حکمت ایرانی را حیات دوباره بخش عمده‌ای از حکمت و حکمت سیاسی ایران باستان از طریق سهروردی به ما رسیده است. حکمت خسروانی و ایران باستان که بعد از ورود اسلام به ایران هنوز پابرجا بود، اندیشه سهروردی را تحت تاثیر خود قرار داده است تا جایی که سهروردی آن را از منابع اصلی خویش در تاسیس حکمت اشراق قرار می‌دهد. او با ابداع فلسفه اشراق یا فلسفه ذوقی، میراث مشرق زمین به ویژه ایران باستان را از انقراض نجات داده و اصول آن را احیا کرد. او افکار و آرای خود را در رسالات و کتب سرشار از استعاره و رمز به زبان‌های عربی و فارسی نوشته است که جامع‌ترین آنها را می‌توان حکمه الاشراق دانست. دیدگاه‌های عرفانی این حکمت بعدها به شعر عرفانی دیگر شعرا نیز وارد شد. البته قبل از سهروردی ابن سینا نیز در کتاب منطق‌المشرقیین حکمتی ویژه و جدای

به ویژه شاهنامه است. نتیجه همه این عوامل این بود که نمایش فارسی روی آثار هنری از فعالیت حاشیه‌ای در مناطق پیرامونی برای اولین بار به مرکز صحنه آثار هنری در قلب ایران رسید. این اشعار علاوه بر زیبایی بصری، ابزاری هویتی بود که از یک سو زیبایی‌شناسی ایرانی را حفظ می‌کرد و از سوی دیگر پیام‌های فرهنگی عمیقی را به مخاطبین معاصر و نسل‌های بعد منتقل می‌نمود.

### تخت سلیمان

مجموعه تخت سلیمان در دهستان چمن از بخش تخت سلیمان در فاصله ۴۵ کیلومتری شهرستان تکاب استان آذربایجان غربی واقع شده است. بر اساس کاوش‌های انجام شده و متون تاریخی، محققان تخت سلیمان را حداقل از تاریخ نیمه دوم قرن پنجم تا نیمه اول قرن هفتم میلادی، محل آتشکده مهم ساسانی آذرگشنسب می‌دانند (Naumann, 1967:75). از این مکان در منابع اسلامی با نام «شیز» یاد شده است که ابن بلخی آن را برگرفته از کلمه دریاچه چیچست در اوستا می‌داند (ابن بلخی، ۱۳۸۴: ۵۰). آباقاخان پس از هفتصد سال این مکان را که مقر آتشکده آذرگشنسب و نیز شکارگاه مناسبی بود، به عنوان پایتخت تابستانی و تفرجگاه برگزید و کاخی در آنجا بنا نهاد که دارای تزیینات کاشیکاری و گچبری درخشانی بود. کاشی‌های این کاخ شامل شش دسته کاشی‌های غیر لعابدار، کاشی‌های لعابدار نیمه شفاف، کاشی‌های لعابدار تک رنگ، کاشی‌های رنگ آمیزی مینایی، کاشی لاجوردی و کاشی‌های لاجوردی زیرلعابدار

که از پیش از آن در ایران متداول بود، می‌شدند (طالب پور، ۱۳۸۷). حدود نود قطعه از کاشی‌های به دست آمده دارای تاریخ ساخت ۶۷۰، ۶۷۱ و ۶۷۴ هستند (قوچانی، ۱۳۷۱: ۲۷). تعداد بالای این قطعات، تدوین عیارهای تولید کاشی در حوزه‌های مختلف در دوران ایلخانی را میسر می‌سازد<sup>۸</sup>.

### مقاومت فرهنگی کتیبه‌های اشعار کاشی‌های تخت سلیمان

در مقاومت فرهنگی اشعار، ابتدا اشعار کاشی‌ها مکرراً خوانده شده و پس از درک عمیق محتوا، داده‌های اولیه کدگذاری شدند. اشعار این کتیبه‌ها از شعرای مختلف هستند. سراینده برخی از این ابیات نامشخص است. اما آثار ۴۳ شاعر مختلف با تلاش‌های عبدالله قوچانی نژاد خوانش شده‌اند. بیشتر آنها رباعی بوده و عباراتی از اشعار بلندتر یا کوتاه‌تر غیرمتداول هستند. منابع، برخی اشعار را به بیش از یک شاعر نسبت می‌دهند. به جز یک رباعی که توسط خود سفالگر، ابوزید سروده شده اشعار روی کاشی‌ها برخلاف آنچه قبلاً گفته شد توسط خود سفالگران سروده نشده‌اند بلکه شعر شاعران متخصص هستند (قوچانی، ۱۳۷۱). سپس مضامین که ترکیب و دسته بندی از کدهای اولیه است استخراج گردیده و پس از بازبینی و اصلاح، تعریف و نامگذاری می‌شوند و در نهایت اطلاعات به صورت تحلیلی ارائه می‌شوند. با بررسی این اشعار و دسته‌بندی ۲۷ کد توصیفی، ۱۳ مضمون فرعی شناسایی شده و در چهار مضمون اصلی به نام‌های اشعار تعلیمی، دعایی، عاشقانه و عارفانه و اساطیری به شرح زیر دسته بندی شد.

جدول ۱. تحلیل مضامین اشعار کاشی‌های تخت سلیمان

مضامین اصلی	مضامین فرعی	کدها	مصادیق
دعایی	آرزوی خوب	یاری و راهنمایی خدا	۲۵ و ۳۴ و ۷۶
		پادشاهی	۳۴
		سلامتی و طول عمر	۸۵ و ۸۶ و ۷۶
تعلیمی	دوری از حرص و طمع و ثروت‌اندوزی	توصیه به دوری از غم مال و طمع و ثروت اندوزی	۳، ۱۰۷، ۳۸، ۹۰، ۲۷
		توصیه به استفاده از زمان حال و خوش‌باشی	۶۶، ۱۰۷، ۲۶
	خوش‌باشی و اغتنام فرصت	باده خواری	۲۳، ۶۳، ۴۹، ۶۶، ۸۵، ۴۵، ۷۸، ۱۰۷، ۲۲، ۲۶، ۲۵، ۱۸
پذیرش سرنوشت	نچنگیدن با روزگار	۶، ۵۵، ۶۶، ۴۰	

جدول ۱. تحلیل مضامین اشعار کاشی‌های تخت سلیمان

مضامین اصلی	مضامین فرعی	کدها	مصادیق
تعلیمی	دل نبستن به جهان	توجه به گذرا بودن جهان و نزدیکی اجل	۹، ۶۶، ۵، ۳۳، ۱۰۷، ۳۲
		دل بریدن از دنیا در راه عشق	۸۶
	پرهیز از بدی	بازگشت نتایج کارها	۷۷
عاشقانه عارفانه	حسن	توصیف معشوق	۱۱۴، ۱۱۲، ۱۰۸، ۸۹، ۱۷، ۱۶، ۱۳، ۱۰، ۲۰، ۷۵، ۵۶، ۴۸، ۵۷، ۴۸، ۷۲، ۴۵، ۷۳، ۷۴، ۵۶، ۴۲، ۴۱، ۶۹، ۸۱، ۸۴، ۷۹، ۷۸
		توصیف عاشق	۶۵، ۴۱، ۴۸، ۸۶، ۱۹، ۲۴
	عشق	وصال و کوتاهی وصال	۷۰، ۲۱، ۶۲، ۴۶، ۸۵، ۸۴، ۱۰۸
		توصیف عشق	۷، ۸، ۶۸، ۸۶، ۹۲، ۵۸
		سختی راه عشق	۶۷، ۶۴، ۸، ۵۸، ۸۲، ۶۰
		گریه و زاری	۷۰، ۴۷، ۴۳، ۱۰۱، ۱۵، ۶۱، ۱۲، ۱۰، ۵۹، ۶۱، ۶۲، ۷۹
	حزن	افعال و یا کلمات با نشانه غم	۱۵، ۱۴، ۱۰۱، ۱۰۱، ۱۰۲، ۲، ۵، ۸۲، ۱، ۵۹، ۶۸، ۶۷، ۸۲، ۸۸، ۸۳، ۱۱۴، ۱۹، ۴۶، ۵۳
		فراق یار، دل‌تنگی و انتظار	۱۰۱، ۱۹، ۱۲، ۱۵، ۱۰، ۴۳، ۷۹، ۶، ۲، ۵۵، ۵۱، ۴۹، ۷۱، ۴۸، ۴۵، ۵۶، ۹۷، ۱۰۸
		یاد یار	۴۶، ۱۰۱، ۹۲، ۱۰۸، ۰
		گلایه از یار و گلایه از بی‌وفایی	۹۷، ۱۰۳، ۱۴، ۹۱
راه سلوک		۵۴، ۲۵، ۲۸، ۰، ۴	
توصیف خدا	راز	۲۹، ۲۸	
	اسیر جاودانی	۵۲، ۲۴	
	وجود	۷، ۵۰، ۶۸، ۵۴	
	اشاره به خدا	۳۹، ۴۰	
اسطوره	اشاره به پهلوانان	بیژن و افراسیاب	۷۷
	اشاره به داستان‌های شاهنامه	رستم و سهراب، خسرو پرویز	۳۶، ۳۵

(نگارندگان)

### اشعار دعایی

باستان در این مفهوم دو واژه «آفرین» و «نفرین» وجود دارد که یکی در مفهوم دعای خوب و دیگری در مفهوم دعای بد به کار می‌رود. آفرین به معنای ستایش، تحسین و تمجید و تشکر و دعای نیک آمده است. نگاهی به آثار فارسی نشان می‌دهد این شیوه گفتاری قدمت طولانی دارد و در قدیمی‌ترین آثار

پرتکرارترین اشعار کاشی‌های تخت سلیمان، اشعار دعایی هستند (تصویر ۱). دعا و نفرین از بن‌مایه‌های دینی و فرهنگی، اسطوره‌ای و ادبی ایرانیان است که از قبل از اسلام تا کنون در متون دینی و ادبی به وفور یافت می‌شود. در زبان فارسی

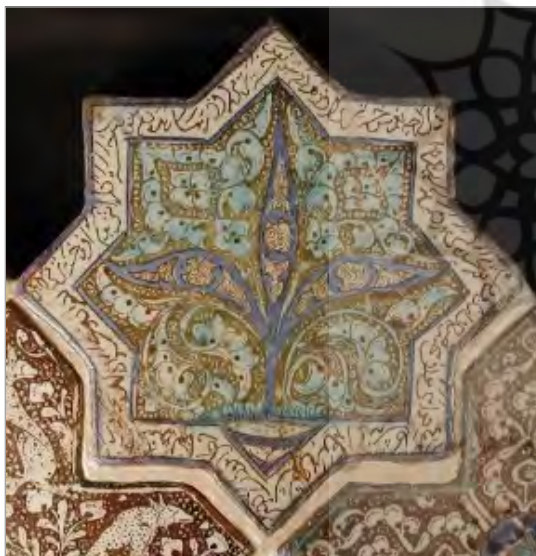


فارسی از جمله اوستا، کتیبه‌های دوران هخامنشی و آثار باقی مانده از دوران فارسی میانه نیز نمود یافته، استدعا در گاهان یا گائها در اوستا به دلیل حالت نیایشی آن نمود چشمگیری دارد. در این دعاها اهورامزدا مورد خطاب قرار گرفته و طلب برآورده شدن خواسته‌های خود و دیگری آمده است. این دعاها موضوعات متنوعی دارند که بیانگر اندیشه‌های زرتشتی و ایران باستان هستند، گاهی اخروی و بسیاری از آنها دنیوی هستند. (صدری افشار، ۱۳۹۱: ۵۵). هرودوت درباره نیایش و دعای مردمان ایران باستان می‌نویسد رسم نیست که تنها برای خویشتن خیر و برکت بخواهند، بلکه برای خوشبختی شاه و تمام اقوام ایرانی که خود نیز جزیی از آنان به شمار می‌روند، دعا می‌کنند. (کتاب اول بند ۱۳۲، هرودوت). این امر در دوران هخامنشیان نیز در کتیبه‌ها به چشم می‌خورد. اهمیت دعا تا اندازه‌ای است که ذکر دعا در پایان کتیبه به

سنت کتیبه نویسی شاهان هخامنشی تبدیل می‌شود. آنچه‌آنچه که در کتیبه سلوک داور آمده؛ «آن‌گاه آفرین کردم که شاپور شاهنشاه، بهترین مردان، انوشه باد» (دریایی، ۱۳۸۳: ۴۹). دعا‌های دنیوی بیشتر با موضوع طلب عمر طولانی و پیروزی بر دشمنان هستند. در منظومه درخت آسوریک نویسنده و کسی که دستور به نوشتن آن داده، دعا شده‌اند. از سوی دیگر برخی دعاها به الگوی گفتاری تبدیل شده و جزوی از آداب و رسوم دربار شده‌اند مانند «انوشه باش» که در کتابهای تاریخی استمرار یافته است (دهرامی، فهیمی پور ۱۳۹۶). نظر به مطالب گفته شده ابیات دعایی ذکر شده در کاشی‌ها را می‌توان در امتداد فرهنگ و هویت ایران باستان دانست.

### اشعار تعلیمی

اشعار تعلیمی کتیبه‌ها به مضامینی چون دوری از حرص و طمع و ثروت‌اندوزی، خوش‌باشی و اغتنام فرصت، دل



تصویر ۲. کاشی با کتیبه تعلیمی و دعایی ابیات شماره ۳۰ و ۳۸. موزه لوور (URL1) (MAO2132/1)



تصویر ۱. کاشی با کتیبه ابیات دعایی ۷۶. موزه متروپولیتین (۱۲، ۱۶۵، ۴۱) (URL3)



تصویر ۴. کاشی با کتیبه ابیات دعایی (قوچانی، ۱۳۷۱: ۱۳۲)



تصویر ۳. کاشی با کتیبه ابیات دعایی (قوچانی، ۱۳۷۱: ۱۳۳)

بیشتر از اندرزنامه‌ها و ادبیات پهلوی تاثیر گرفته‌اند و در این میان آفرین‌نامه و شاهنامه برجسته‌ترند (مشرف، ۱۳۸۹: ۱۴). با بررسی مضامین این ابیات می‌توان به تاثیر آثار ساسانی همانند مینوی خرد در آنها پی برد. در اندیشه ایران باستان ثروت تا اندازه‌ای مفید است که به اعتدال بوده و بتواند بدی و پتیارگی را از تن باز دارد و اگر بیش از آن شد، همان آزمندی است که ناپسندیده‌ترین چیزهاست بنابراین خواسته را باید به ارزانیان (مستحقان) بخشید (مینوی خرد، ۱۳۸۵: ۲۹). مرگ اندیشی و توجه به گذر شتابان زمان، از دیرباز اندیشه مردمان را به خود مشغول کرده است و غنیمت شمردن فرصت و زیستن در حال به عنوان راه حلی برای این جهان ناپایدار مطرح شده است. توجه به گذرا بودن جهان و عدم اعتماد به نیکی آن از دیگر مسایل عنوان شده در مینوی خرد است. در بندهای ۹۸ تا ۱۱۱ آمده است که به نیکی گیتی تکیه مکن چرا که سرانجام مرگ بر تو رسد (مینوی خرد، ۱۳۵۴: ۱۱-۱۲). یکی از نشانه‌های دانایی در اندرزنامه‌های ساسانی نخوردن غم جهان و غم نبردن بر گذشته است (عفیفی، ۱۳۸۳: ۳۵۴). در مورد شراب مقدس و می که در ادبیات صوفیانه بعدها نمادی پررنگ شد، ردپایی میتوان در ایران باستان یافت (زرین‌کوب، ۱۳۸۳: ۲۲-۲۳). در بسیاری از متون فارسی کشف می را به جمشید نسبت داده‌اند. در جهان‌بینی کهن ایرانی، شراب نماینده پیشه سلطنت و آب انگور ماده رمزی بوده که دو خاصیت متعارض زندگی بخشی و مرگ آوری داشته است (معین، ۱۳۸۴: ۳۴۳-۴۴۰). در

نیستن به دنیا و پذیرش جهان می‌پردازند (تصویر ۲). همه این مضامین در قالب فرهنگ ایران باستان قابل ردگیری است. پند و نصیحت و اندرزگویی در ادبیات فارسی پیشینه‌ای به دیرینگی تاریخ دارد و از ارکان اساسی و مهم در متون فارسی میانه است، چرا که هم جنبه‌ای دینی داشته و هم عاملی قوی برای حفظ نظام اجتماعی بوده است. تا آنجا که آنها را با آب طلا می‌نوشتند (مسعودی، ۱۴۰۴: ۱/۲۹۵). در ایران باستان مقامی به نام «اندرزبدی» وجود داشته که وظیفه او آگاهی دادن به مردم از طریق پند و اندرز بوده است (عفیفی، ۱۳۸۳: ۳۵۲). ادبیات تعلیمی یا اندرزی که ابتدا به صورت شفاهی و سپس مکتوب بود در دوران ساسانی رواج یافت و از سرچشمه‌های سنت شفاهی و منابع نوشتاری وارد ادبیات دری و عرب پس از اسلام گردید (ابراهیمی، ۱۳۹۶). اختصاص یافتن بخش زیادی از متون پهلوی به پند و اندرز، نشانگر اهمیت این مساله در نزد ایرانیان باستان است. از نشانه‌های دیگر رواج پند و اندرز در فرهنگ ایرانی، درج صد پند بر تاج انوشیروان ساسانی است که عبید زاکانی به آن اشاره کرده است (یلمه‌ها، ۱۳۹۵). اندرزنامه‌ها مبتنی بر هنجارهای اجتماعی بوده و فشرده‌ای از آداب و رسوم و حکمت و جنبه‌های مختلف حیات اجتماعی و تفکر قومی را به نمایش می‌گذارند. برخی از اشعار تعلیمی خوانش شده از کاشی‌های تخت سلیمان از شاهنامه فردوسی و آفرین‌نامه ابوشکور بلخی هستند و به اعتدال در ثروت اندوزی و دوری از طمع توصیه می‌کنند. ادبیات تعلیمی قرن چهارم و پنجم



تصویر ۶. کاشی با کتیبه ابیات آغازین داستان رستم و سهراب. موزه متروبولیتین (URL4)(165.11.41)



تصویر ۵. کتیبه با اشعار عاشقانه و دعایی ابیات ۶۱ و ۷۶ و ۲۵. موزه لوور (URL2)(MAO2131)

گستره عالم عرفان این واژه با معنایی رمزآلود و کنایی که عموماً به تجلیات و جلوه‌های پروردگار اشاره می‌کند استفاده می‌کنند. بنابراین اشاره به می در ادب فارسی هم ریشه در هویت ایرانی و هم عرفان دارد.

### اشعار عارفانه و عاشقانه

تفکیک میان اشعار عارفانه و عاشقانه در ادب فارسی به دلیل گره خوردن معنای عرفان ایرانی با عشق کاری بسیار دشوار است. چرا که عرفای ایرانی از دیرباز به کمک معنای نمادین و رمزی از عشق زمینی به عشق الهی پرداخته‌اند. در متون دینی ایران پیش از اسلام، واژه‌ای متضمن معنی مصطلح عرفان مشاهده نمی‌شود اما مفهوم آن، که عبارت از امکان ارتباط مستقیم و فردی آدمی با خداوند باشد و اتصال، شهود، وجد و حال را با مبدأ هستی و آفریدگار جهان ممکن بداند، بسیار مشاهده می‌شود. اشعار عاشقانه تخت سلیمان بیشتر روایت غم و فراق یار هستند و در پاره‌ای نمونه‌ها به توصیف حسن معشوق می‌پردازند (تصویر ۳). این اشعار را می‌توان به کمک رساله حقیقه‌العشق سهروردی تفسیر کرد چرا که در این اثر عشق به عنوان جوهره‌ای محوری در هستی معرفی می‌شود که وجوه مختلف آن از دیرباز در بستر فرهنگ ایرانی قابل تعریف است. در میان رساله‌های فارسی سهروردی مونس‌العشاق یا حقیقه‌العشق به سبب موضوع و غنای سخن بسیار مورد توجه قرار گرفته است. سهروردی رساله حقیقت

عشق خود را با آیه سه سوره یوسف آغاز می‌کند. او در این رساله عشق را به معنای عام ساری در تمام موجودات جهان می‌داند. «همه موجودات به حکم عشق فطری در جریان و حرکت‌اند و اساس جهان آفرینش بر عشق است از خلقت آدم خاکی متصاعدا تا ملکوتیان مجرد، همه متحرک به عشق‌اند (سهروردی به نقل انتظام ۱۳۹۱). حقیقت عشق داستانی است که قهرمانان اصلی آن را سه مفهوم انتزاعی حسن، عشق و حزن پدید آورده‌اند. این سه مفهوم، شخصیت انسانی یافته و اعمال و افعال انسان‌ها را انجام می‌دهند. در واقع سهروردی این سه را صفت یا عرضی از گوهر عقل می‌داند. راه رسیدن به جمال و کمال مطلق از عشق می‌گذرد. عشق راه وصول به حسن است و حزن زمینه ساز حضور عشق و بدین گونه سه گانه اشراقی شکل می‌گیرد. در اشعار کتیبه‌های تخت سلیمان نیز از عشق اینگونه سخن گفته شده است.

### اشعار اسطوره‌ای

در کتیبه‌های مجموعه‌ای از کاشی‌های تخت سلیمان سیزده عبارت مختلف از شاهنامه فردوسی به دست آمده است (تصاویر ۵ و ۶). این ابیات عموماً به داستان خسرو و دیباجه رستم و سهراب تعلق دارند. اسطوره‌ها همواره حامل پیام و نشانگانی عرفانی و پهلوانی هستند. قهرمانان اساطیری با غلبه بر پلیدی و سیاهی جلوه آشکاری از تقابل خیر و شر هستند. فردوسی در شاهنامه با پرداختن به داستان‌های اساطیری



تصویر ۸. کاشی با کتیبه ابیات دعایی (قوچانی، ۱۳۷۱: ۱۲۵)



تصویر ۷. کاشی با کتیبه ابیات دعایی (قوچانی، ۱۳۷۱: ۱۲۶)

ایرانی، هم به اصل و ریشه این قوم و هم به مجموعه‌ای از آداب و رسوم و اندیشه ایرانی، آیین کشورداری و به طور کلی جهان‌بینی قومی می‌پردازد. مولفه‌های هویت ایرانی در همه ابعاد آن در این کتاب وجود دارند و در کنار همه این موارد، به احیای زبان فارسی نیز پرداخته شده است.

### ارتباط شعرا با حکمت خسروانی و سهروردی

شاعران اشعار تخت سلیمان هرکدام به نوعی میراث‌دار حکمت اشراق هستند و گواهی در آثار آنها یا در زندگی‌شان مبنی بر استناد به حکمت خسروانی یا ابراز ارادت به شیخ اشراق وجود دارد. از زندگی و آرای برخی از این شعرا اطلاعات چندانی در دست نیست و تنها ابیاتی پراکنده از آنان به دست آمده است اما از خلال اندیشه شاعران صاحب ابیات پر تکرار می‌توان به حقیقتی پی برد که مبنای انتخاب اشعار را آشکار می‌سازد. از اشعار پر تکرار کاشی‌های تخت سلیمان اشعار ابوسعید ابوالخیر<sup>۹</sup> است. او به زعم سهروردی از ادامه دهندگان حکمت خسروانی پس از بایزید بسطامی، منصور حلاج و قصاب آملی و خرقانی بوده است (آقاصفری، ۱۳۹۲). عین‌القضات همدانی از مشعل‌داران برجسته حکمت خسروانی یا فلسفه اشراق ایران بعد از اسلام از دیگر شاعران کاشی‌های تخت سلیمان است. او به همراه بایزید، حلاج، احمد غزالی از عارفان شاخه شرقی هستند که سهروردی فلسفه خود را ذیل عرفان آنها تاسیس کرده است. بی تردید عین‌القضات بزرگ‌ترین پیرو حلاج است. با توجه به هم‌رسانی اندیشه و اینکه سهروردی حلاج را خسروانی می‌داند، می‌توان عین‌القضات را نیز خسروانی دانست. البته توجه او به عشق، استفاده از رموز معروف به روز تازی و نوری و توجه به وحدت شهود به جای وحدت وجود که از عناصر شاخص حکمت خسروانی هستند، از دیگر عوامل در اثبات خسروانی بودن عین‌القضات هستند. خیام دیگر شاعر این کتیبه‌هاست، که اندیشه او بنیادی و فراگیر است، بدین معنا که او در دنیای شعرش به موضوعاتی پرداخته است که مخاطب حتی اگر فیلسوف و اندیشه‌ور هم نباشد بدان می‌رسد و با اندکی تامل پرسش‌هایی در ارتباط با آنها در ذهنش شکل می‌گیرد. راز هستی، غم و شادی، گردش روزگار، زندگی و مرگ، ناپایداری عالم و اغتنام فرصت از جمله محتوای اشعار خیام هستند. این فلسفه پوینده و پر دامنه پس از تلفیق با فلسفه یونان و

نوافلاطونیان و بارقه‌هایی از اسلام به دوره‌های بعد راه یافته و فلسفه اسلامی را تشکیل داده است (یاحقی، ۱۳۸۴). کمال‌الدین اسماعیل اصفهانی<sup>۱۰</sup> که اشعار او در میان محبوب‌ترین اشعار تخت سلیمان جای گرفته‌اند، مرید شهاب‌الدین سهروردی است (رادمنش، ۱۳۸۷).<sup>۱۱</sup> شاعر دیگر اشعار کتیبه‌های تخت سلیمان، افضل‌الدین محمد مرقی کاشانی معروف به بابا افضل<sup>۱۲</sup> است. از نظر بابا افضل، دانستن و دریافتن، عالی‌ترین منزلی است که مردم به آن می‌رسند زیرا به دانش بر همه محیط توان شد و به هیچ قسم از اقسام وجود بر دانش محیط نتوان شد (بابا افضل عرض نامه، ۲۴۰). با بررسی آثار و آرای بابا افضل چنین برمی‌آید که او میراثی از حکمت اشراقی و خسروانی را در آثار و اقوال خود برای شاگردانش به ودیعه نهاده است. ابوشکور بلخی<sup>۱۳</sup> از دیگر شعرای این مجموعه است. آفرین‌نامه او متشکل از داستان یا داستان‌هایی است که احتمالاً منشأ ملی یا مذهبی داشته‌اند و از نظر محتوا با اندیشه‌های موجود در اندرزنامه‌ها همخوانی دارد (نفیسی، ۱۳۴۲: ۲۲۱-۲۲۰؛ اسدی طوسی، ۱۳۹۰: ۳۲۰). بنا به موارد گفته شده شرح مولفه‌های هویتی به همراه مضامین در جدول شماره ۲ آورده شده است.

### بحث

یافته‌های این پژوهش با برخی مطالعات پیشین در خصوص کاشی‌های تخت سلیمان و هنر دوره ایلخانی هم‌راستا است، اما با رویکردی نو به تحلیل محتوای ادبی این اشعار پرداخته است. برخلاف آثاری چون پژوهش کامران‌آزاد (۱۳۹۱) یا ماسویا (۱۹۹۷) که تمرکز آنها بر گفتمان قدرت یا تحلیل فرمی تزئینات بود، این تحقیق به بررسی لایه‌های فرهنگی، زبانی، اسطوره‌ای و عرفانی اشعار پرداخته است. همچنین، در حالی که پژوهشگرانی چون ملیکیان شیروانی و اوکین تنها به خوانش یا ذکر مضامین کلی اشعار اکتفا کرده‌اند، این مقاله با بهره‌گیری از روش مقاومت فرهنگی و نظریه هویت استوارت هال، نشان داده است که اشعار مذکور نقش فعالی در بازنمایی هویت ایرانی در بستر مواجهه فرهنگی داشته‌اند. بدین ترتیب، پژوهش حاضر با پرداختن به پیوند میان شعر، هویت و معماری، گامی فراتر از تحلیل‌های فرمال پیشین برداشته و جایگاه شعر فارسی را در بازسازی هویت ملی در دوره ایلخانی تبیین کرده است.

مؤلفه‌های هویت (بر اساس نظریات هال)	شرح مولفه	مضمون های مرتبط با هویت در اشعار	ارتباط با هویت ایرانی	روش تحلیل
هویت زبانی	زبان فارسی به عنوان حامل هویت ایرانی و نماد مقاومت فرهنگی	اشعار تعلیمی، عاشقانه و عارفانه و دعایی که به زبان فارسی سروده شده‌اند	تأکید بر پیوند فرهنگی و استمراری میان نسل‌ها	تحلیل مضمون اشعار
هویت دینی و عرفانی	استفاده از اشعار عارفانه و مفاهیم مرتبط با تصوف	اشعار عارفانه درباره عشق الهی و معانی عرفانی	تقویت عنصر عرفان به عنوان یکی از ویژگی‌های هویت ایرانی	تحلیل مضمون با استفاده از حقیقه‌العشق سهروردی و حکمت ایرانی
هویت اسطوره‌ای	استفاده از اساطیر ملی و تاریخی ایران	مضامین اساطیری با ارجاع به شخصیت‌های شاهنامه فردوسی	تأکید بر گذشته و اسطوره ایرانی	تحلیل مضمون با ارجاع به اسطوره ایرانی
هویت فرهنگی	اشعار دعایی، تعلیمی و عاشقانه	اشعار عاشقانه	تأکید بر استمرار فرهنگی در تعلیم و آرزو در فرهنگ ایرانی و مفهوم عشق در ذهن ایرانیان	تحلیل مضمون با رجوع به متون تاریخی

(نگارندگان)

## نتیجه‌گیری

هجوم مغول به ایران و تاسیس حکومت ایلخانی در کنار شرایط فکری و فرهنگی به وجود آمده در اثر افزایش مراودات ناشی از ایجاد امنیت در سراسر جاده ابریشم فضای فرهنگی خاصی را برای ایران رقم زد. در مواجهه فرهنگی با دیگری، هویت سیال بوده و به بازتولید خود می‌پردازد. بنابراین وزرا و هنرمندان ایرانی نیز در تلاش برای تأکید بر هویت خود در کنار پذیرش گونه‌های جدید وارداتی به تأکید بر هویت ایرانی پرداختند. از نشانه‌های این امر در تزیینات بناهای تاریخی دوره ایلخانی قابل مشاهده است. مقاومت فرهنگی اشعار کاشی‌های تخت سلیمان نشان دهنده مضامین تعلیمی، دعایی، اساطیری و عارفانه و عاشقانه بود. دنبال کردن ردپای این مضامین در ادبیات ایران، آمیختگی آن با مولفه‌های هویت ایرانی را خاطر نشان می‌سازد. انتخاب زبان فارسی و مضامینی که به نوعی استمرار اساطیر، و عرفان و فرهنگ ایرانی بودند، بیانگر بازنمایی هویت ایرانی در قالب تزیینات معماری است. پس از هجوم مغول و تاسیس حکومت ایلخانی، ایرانیان به دنبال بازپس‌گیری عاملیت و تأیید جایگاه خود در جهان، واکنش نشان داده‌اند و این مساله نه تنها در استفاده از زبان فارسی بلکه در استفاده از حکمت و اندیشه ایرانی در این تزیینات نمود پیدا کرده است. این بن‌مایه گاهی به صورت مشخص و صریح و گاه نمادین در این کتیبه‌ها بیان شده است. بنابراین در پاسخ به پرسش اصلی تحقیق با توجه به موارد یاد شده می‌توان کتیبه‌های تخت سلیمان را بازنمودی از هویت ایرانی در تزیینات معماری این دوره دانست. تحقیقات بیشتر در این زمینه می‌تواند ابعاد دیگری از هویت و تولید فرهنگی ایرانی را در دوره ایلخانی بررسی کند و همچنین میراث برخوردهای فرهنگی در شکل‌دهی جامعه معاصر ایران را به دنبال داشته باشد. در ادامه پیشنهاد می‌شود مطالعه‌ای تطبیقی بین کاشی‌کاری‌های تخت سلیمان و آثار معماری دیگر مناطق واقع در مسیر جاده ابریشم انجام شود. این مقایسه می‌تواند به شناخت بیشتر از نحوه تبادل فرهنگی و تأثیرات متقابل هویتی در این مسیر را مدد رسانده و تفاوت‌های محلی در بازنمایی هویت را آشکار سازد. همچنین، بررسی بینامتنی اشعار

کتیبه‌های تخت سلیمان با متون ادبی معاصر این دوره، به‌ویژه شاهنامه‌های منظوم و متون عرفانی، می‌تواند ابعاد تازه‌ای از پیوند میان ادبیات و هویت ایرانی در هنرهای دوره ایلخانی را آشکار کند و درک عمیق‌تری از بازنمایی هویت ملی و فرهنگی در شعر و هنر فراهم آورد. تجلی هویت ایرانی در شعر فارسی و تزیینات معماری، گواهی بر روحیه ماندگار مردمی است که پیوسته در جریان‌های تاریخ سیر کرده و میراث فرهنگی خود را حفظ و در این مسیر تغییر شکل داده‌اند.

## پی‌نوشت

1. Stuart Hall
  2. Arthur Upham Pope
  3. Ernest Grobe.
  4. Richard Ettinghausen
  5. Watson
  6. Braun
  7. Clarke
۸. کاشی‌های کشف شده هم اکنون در موزه ملی ایران، موزه هنرهای اسلامی برلین و موسسه باستان‌شناسی آلمان در برلین، موزه متروپولیتن، موزه بریتانیا و نیز پایگاه میراث جهانی تخت سلیمان نگهداری می‌شوند.
  ۹. بیش از همه چیز خواستارم ای اشا که وهومن و روان آفرینش را از خود خوشنود سازم... ای مزدا اهورا و ای وهومن، بواسطه راستی، شکوه هر دو جهان به من ارزانی دارید از آن شکوه مادی و معنوی که دینداران را خرمی و شادمانی بخشد (پورداوود ۱۳۷۷، گات‌ها: ۵).
  ۱۰. «بهترین زندگی (بهشت) برای پاکان، تندرستی، زندگی بلند، کامروا بودن و در هم شکستن ستیزه دروج، پیروزمند شدن در جنگ، بوی بردن و آگاه شدن از دزد و راهزن و گرگ» (ن.ک: پورداوود ۱۳۷۷، گات ۱۶۵).
  ۱۱. این امر از کهن‌ترین کتیبه که لوحه زرین آریارمن جد علای کوروش است تا کتیبه بیستون به چشم می‌خورد.
  ۱۲. ۹۸- به هیچ نیکی اعتماد نکن. ۹۹- چه نیکی گیتی چون ابری است که در روزهای بهاری آید که به هیچ کوه نپاید. ۱۰۰- بسیار گیتی آرای می‌باش. ۱۰۱- ه مرد گیتی آرا، تباه‌کننده مینو باشد. ۱۱۰- به زندگی تکیه مکن. ۱۱۱- چه سرانجام مرگ بر تو رسد. (مینوی خرد ۱۳۵۴، ۱۱-۱۲)
  ۱۳. سهروردی در رسالهٔ مونس‌العشاق می‌فرماید: «بدان اول چیزی که حق سبحانه و تعالی بیافرید گوهری بود تابناک، او را عقل نام کرد و این گوهر را سه صفت بخشید؛ یکی شناخت حق، یکی شناخت خود و یکی شناخت آنکه نبود، پس نبود. از آن صفت که به شناخت حق تعالی تعلق داشت، «حُسن» پدید آمد که آن را «نیکویی» خوانند. از آن صفت که به شناخت خود تعلق داشت، «عشق» پدید آمد که آن را «مهر» خوانند از آن صفت که نبود، پس به بود تعلق داشت، «حُزن» پدید آمد که آن را «اندوه» خوانند و این هر سه از یک چشمه سار پدید آمده‌اند و برادران یکدیگرند» (مصنفات، ج ۳، ۲۶۸)
  ۱۴. ابوسعید ابوالخیر (متوفی ۴۴۰ ه.ق) از بزرگان عرفان ایران بوده که از او اثری مکتوب وجود ندارد اما درباره زندگی و اقوال او آثاری نگاشته شده و اندیشمندان هم‌دوران و پس از او به ابوسعید اشاراتی داشته‌اند.
  ۱۵. کمال الدین اسماعیل اصفهانی به خلاق‌المعانی از شاعران به نام قرن ششم و هفتم هجری است. دیوان او سرشار از مدح و پند و اندرز و توصیف بوده و آگاهی او به علوم مختلف از لابلای اشعار و دیوانش کاملاً پیداست. او مهارت بسیار در انواع مختلف شهری داشته است.
  ۱۶. ازین بزرگان امروز یکی است  
مثل آن نه همانا به بحر و بر یابی  
شهاب دین عمر سهروردی آن رهرو  
مسالک او دیو بر حذر یابی (کمال الدین ۵۸۰-۵۸۱).
  ۱۷. افضل الدین محمد مرقی کاشانی معروف به بابا افضل از شاعران نیمه دوم قرن ششم و آغاز قرن هفتم است. او با درایت تمام به زنده نگه داشتن فلسفه و اندیشه ایرانی اسلامی اشراق و انتقال آن با نوگرایی کامل به نسل بعد جامه عمل پوشانید. او تالیفات متعددی به نظم و نثر عربی و فارسی دارد اما آثار فارسی او از همه مهمتر و افزونتر است. بهار معتقد است که شیوه نثر او بسیار پخته و به اسلوب متقدمان نزدیک است و در رسالات خود، لغات پارسی را به جای اصطلاحات تازی می‌گذارد.
  ۱۸. ابوشکور بلخی از شاعران قرن چهارم ه.ق / دهم میلادی و سبک خراسانی است. از میان ابیات بسیار او تنها حدود ۳۰۰ بیت

مثنوی باقیمانده است که ظاهراً متعلق به منظومه آفرین‌نامه اوست (نفیسی ۱۳۴۲، ۵۱۲-۵۰۶) و سایر ابیات باقیمانده از قصاید و غزلیات و در موضوعاتی همانند مدح، تغزل، هجو، ستایش عشق و شراب و وصف طبیعت است (لازار ۱۳۴۱، ۷۸-۷۷).

## منابع و ماخذ

- آقاصفری، مهسا. (۱۳۹۲). *بن‌مایه‌های حکمت خسروانی در تصوف سده‌های چهارم و پنجم هجری*. پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه تربیت معلم.
- ابراهیمی، قربانعلی. (۱۳۹۶). مقایسه مضامین اندرزی مینوی خرد و آفرین‌نامه ابوشکور بلخی. *پژوهشنامه ادبیات تعلیمی*. سال نهم (۳۴). ۱۰۶-۷۹.
- ابن بلخی (۱۳۸۴). *فارسانامه*. تصحیح و تحشیه لسترنج و نیکلسون. تهران: انتشارات اساطیر.
- ابن اثیر، علی بن محمد. (۱۹۸۵). *الکامل فی التاریخ*. بیروت: دارصادر.
- احمدی، حمید. (۱۳۸۸). *بنیادهای هویت ملی ایرانی*. تهران: پژوهشکده مطالعات فرهنگی و اجتماعی.
- اسدی طوسی. (۱۳۱۹). *لغت فرس*. به کوشش عباس اقبال آشتیانی. تهران: اساطیر.
- اقبال آشتیانی، عباس. (۱۳۶۵). *تاریخ مغول*. تهران: امیرکبیر.
- بویل، جی.آی. (۱۳۶۶). *تاریخ ایران از کمبریج (از آمدن سلجوقیان تا فروپاشی دولت ایلخانان)*، ترجمه حسن انوشه، جلد ۵. تهران: امیرکبیر.
- پوپ، آرتور و فیلیس آکرم. (۱۳۸۰). *سیری در هنر ایران (از دوران پیش از تاریخ تا امروز)*. گروه مترجمان. جلد سوم. تهران: انتشارات علمی-فرهنگی.
- پورجوادی، نصرالله. (۱۳۸۰). *مونس العشاق سهروردی و تاثیر آن در ادبیات فارسی*. نشر دانش. شماره ۱۰۰.
- تقی‌زاده، حسن. (۱۳۸۹). *مشاهیر شعرای ایران (ابوشکور بلخی)*. کاوه. سال پنجم (۲).
- دریایی، تورج. (۱۳۸۳). *کتیبه پهلوی سلوک، داروکابل. مجله فرهنگ*. سال هفدهم (۴۹ و ۵۰). ۷۴-۴۷.
- دهرامی، مهدی و فهیمی‌پور، مجتبی. (۱۳۹۶). *آفرین و نفرین در آثار ایرانی باستان و میانه. مطالعات انسانی*. سال شانزدهم (۳۱). ۸۰-۶۵.
- رادمنش، عطامحمد. (۱۳۸۷). *کمال جمال اصفهانی. دانشنامه (واحد علوم و تحقیقات)*. سال اول (۱). ۷۴-۵۵.
- رضی، هاشم (۱۳۸۴). *حکمت خسروانی*. تهران، نشر بهجهت.
- زرین کوب، عبدالحسین. (۱۳۸۵). *جستجو در تصوف ایران*. تهران: امیرکبیر.
- زرین کوب، عبدالحسین. (۱۳۸۳). *تصوف ایرانی در منظر تاریخی آن*. مترجم مجدالدین کیوانی. تهران: سخن.
- سهروردی، شهاب‌الدین یحیی. (۱۳۷۷). *حکمه الاشراف*، ترجمه و شرح سید جعفر سجادی. تهران: دانشگاه تهران.
- شراتو، امیرتو و ارنست گروبه. (۱۳۹۱). *هنر ایلخانی و تیموری*. ترجمه یعقوب آژند. تهران: نشر مولی.
- صدیقی افشار، غلامحسین. (۱۳۹۱). *فرهنگ فارسی*. تهران: فرهنگ معاصر.
- طالب‌پور، فریده. (۱۳۸۷). *بررسی نقوش کاشی‌های کاخ آباقاخان در تخت سلیمان*. نشریه نگره. سال چهارم (۸ و ۹). ۱۹-۳۰.
- طهوری، نیره. (۱۳۸۱). *جستجوی مفاهیم نمادین کاشی زرین‌فام*. نشریه خیال. سال اول (۱). ۸۹-۵۸.
- طهوری، نیره. (۱۳۸۱). *کاشی‌های زرین‌فام دوره ایلخانان مغول*. ماه هنر. سال پنجم (۴۵ و ۴۶). ۷۲-۸.
- عفیفی، رحیم. (۱۳۸۳). *اساطیر و فرهنگ ایرانی*. تهران: توس.
- قوچانی، عبدالله. (۱۳۷۱). *اشعار فارسی کاشی‌های تخت سلیمان*. تهران: مرکز نشر دانشگاهی.
- قوچانی، عبدالله. (۱۳۷۳). *سفالگران کاشان و شعر فارسی*. نشر دانش. شماره ۸۴، ۴۰-۳۱.
- کاشانی، بابا افضل. بی‌تا. *عرض‌نامه*. نسخه خطی، کتابخانه مجلس.
- کامران آزاد، زهره. (۱۳۹۱). *بازتاب گفتمان عصر ایلخانی بر کاشی‌های زرین‌فام تخت سلیمان*. پایان‌نامه کارشناسی ارشد. دانشگاه هنر اسلامی تبریز.
- کریستین سن، آرتور. (۱۳۷۸). *ایران در زمان ساسانیان*. ترجمه رشید یاسمی. تهران: انتشارات صدای معاصر.

- کمال‌الدین اسمعیل اصفهانی، دیوان، به اهتمام حسین بحر العلومی، بی‌چاپ، تهران: انتشارات کتابفروشی دهخدا.
- کوربن، هانری. (۱۳۷۲). مجموعه مصنفات شیخ اشراق. تهران: موسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی.
- کوش، دنی. (۱۳۸۱). مفهوم فرهنگ در علوم اجتماعی، ترجمه فریدون وحید، تهران: انتشارات سروش.
- گوبل، روبرت. (۱۳۸۴). گل‌مهرهای تخت سلیمان. ترجمه فرامرز تجد سمعی. تهران: انتشارات میراث فرهنگی و گردشگری.
- لازار، ژیلیر. (۱۳۴۱). اشعار پراکنده. تهران: انجمن ایران‌شناسی فرانسه در تهران.
- لین، جورج. (۱۳۸۹). ایران در اوایل عهد ایلخانان. ترجمه سید ابوالفضل رضوی. تهران: امیرکبیر.
- مستوفی، حمدالله. (۱۳۳۹). تاریخ گزیده. تصحیح عبدالحسین نوایی. تهران: امیرکبیر.
- مسعودی، علی بن الحسین. (۱۴۰۴). مروج الذهب و معادن الجواهر. قم: دارالهیجره.
- مشرف، مریم. (۱۳۸۹). جستارهایی در ادبیات تعلیمی ایران. تهران: سخن.
- معین، محمد. (۱۳۸۴). مزدیسنا و تاثیر آن در ادب پارسی (ج ۲). تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
- معینی علمداری، جهانگیر. (۱۳۸۳). ایران هویت، ملیت، قومیت. به کوشش حمید احمدی. تهران: موسسه تحقیقات و توسعه علوم انسانی.
- مهجوری، محمود؛ استاجی، ابراهیم؛ غلامی، عبدالله و میرنژاد، سیده زهرا. (۱۳۹۷). اندرزهای مینوی خرد و تاثیر آن بر شاهنامه فردوسی. متن‌شناسی ادب فارسی. سال دهم (۳). ۱۶۴-۱۴۷.
- متن پهلوی با نویسنده نامشخص. (۱۳۸۵). مینوی خرد. ترجمه احمد تفضلی. تهران: بنیاد فرهنگ ایران.
- نفیسی، سعید (۱۳۴۲). حواشی و تعلقات بر قابوس‌نامه. تهران: فروغی.
- واتسون، الیور. (۱۳۸۲). سفال زرین فام ایرانی. ترجمه شکوه ذاکری. تهران: انتشارات سروش.
- هال، استوارت. الف. (۱۳۸۳). بومی و جهانی: جهانی شدن و قومیت. ترجمه بهزاد برکت. فصلنامه ارغنون، سال دهم (۲۴)، ۲۶۲-۲۳۹.
- هال، استوارت. ب. (۱۳۸۳). هویت‌های قدیم و جدید، قومیت‌های قدیم و جدید. ترجمه شهریار وقفی‌پور. فصلنامه ارغنون، سال دهم (۲۴)، ۳۱۹-۳۵۲.
- هال، استوارت. (۱۳۸۲). رمزگذاری و رمزگشایی در مطالعات فرهنگی. تهران: انتشارات تلخون.
- هال، استوارت. (۱۳۹۶). معنا، فرهنگ و زندگی اجتماعی. ترجمه احمد گل‌محمدی. تهران: نشر نی.
- یاحقی، محمدجعفر. (۱۳۸۴). رودکی و خیام. پژوهش‌های زبانی و ادبی در آسیای مرکزی. دوره ۶ (۸ و ۹). ۲۱۵-۲۲۴.
- یارشاطر، احسان. (۱۳۶۸). تاریخ ملی ایران. تاریخ ایران: از سلوکیان تا فروپاشی دولت ساسانیان. گردآورنده جی. آ. بویل. ترجمه حسن انوشه. تهران: امیرکبیر.
- یلمه‌ها، احمدفرضا. بررسی خاستگاه ادبیات تعلیمی منظوم و سیر تطور و تحول آن در ایران. پژوهشنامه ادبیات تعلیمی. سال هشتم (۲۹). ۶۱-۹۰.

- Boyatzis, R. E. (1998). **Transforming qualitative information: thematic analysis and code development**. London: Sage.
- Huff, D. (2012). The Ilkhanid Palace at Takhte Suleiman: Excavation Results. **Beyond the legacy of Genghis Khan**. Komaroff, L (Ed.). Leiden: Boston, Brill. 44-110.
- Kenny, M. (2003). Stuart Hall In A. Elliot and L. Ray (eds.) **Key Contemporary Social Theorists**. Blackwell Publishing
- King, N; Horrocks, C. (2010), **Interviews in qualitative research**, London: Sage.
- Komaroff, L; Carboni, S (2002). **The Legacy of Genghis Khan: Courtly Art and Culture in Western Asia**, New York: The Metropolitan Museum, New Haven and London, Yale University Press.
- Masuya, T. (1997). **The Ilkhanid phase of Takht-i Sulayman**. Ph.D. dissertation. Institute of Fine Arts, New York University.

- Melikian-Chirvani, A. S (1984). **Le Shah-name, la gnose soufie et le pouvoir mongol.** *Journal asiatique*, 272. 249–337.
- Melikian-Chirvani, A. S. (1991). Le Livre des Rois: miroir du destin: -Takht-e Soleyman et la symbolique du Shahname. *Studia Iranica*, 20, 33–148.
- Naumann. R. (1976). Takhte Suleiman in Bagherzadeh,F, *ed in Proceedings of the IVnd Annual Samposium on Archeologicalresearch in Iran*(1975).419-423.
- Okane, B (2006). Persian poetry on Ilkhanid art and architecture. in **Beyond the legacy of Genghis khan, ED.** Linda Komaroff, Leiden: Brill, 346-358.
- , Oliver (1985). **Persian Lustre Ware.** London and Boston: Faber and Faber.-
- Porter,Y. (2021) Talking Tiles from Vanished Ilkhanid Palaces (Late Thirteenth to Early Fourteenth Centuries) : Frieze Luster Tiles with Verses from the Shah-nama. *Journal of Material Cultures in the Muslim World.* (1-2).97-149.
- URL1:<https://collections.louvre.fr/en/ark:/53355/cl010319617> (access date:2024/09/14)
- URL2:<https://collections.louvre.fr/en/ark:/53355/cl010319618>(access date:2024/09/14)
- URL3:<https://www.metmuseum.org/art/collection/search/450428>(access date:2024/09/14)
- URL4:<https://www.metmuseum.org/art/collection/search/450427>(access date:2024/09/14)





Received: 2025/01/17

Accepted: 205/07/15

## Iranian Identity and Its Representation in Persian Inscriptions on the Tiles of Takht-e Soleiman: A Stuart Hall Perspective

Narges Teymouri\* Amir Abbass Mohammadi Rad\*\*

7

### Abstract

The Mongol invasion and the subsequent establishment of the Ilkhanid created a complex cultural environment for Iranians. The non-Iranian rule, coupled with the expansion of cultural exchanges along the Silk Road, which was now unified under a single powerful entity, led to a cultural encounter that resulted in a new artistic language influenced by imported models while simultaneously emphasizing Iranian identity. One of the areas where this cultural encounter is evident is in the decoration of buildings, particularly tiles. The palace of Abaqa Khan in Takht-e Soleiman is one example of the extensive use of inscribed tiles during this period. This study, drawing on Stuart Hall's theories on identity in cultural encounters, examines the manifestation of Iranian identity and its representation in the Persian inscriptions of the tiles of Takht-e Soleiman using a qualitative approach. By employing a descriptive-analytical method, this research seeks to answer the question of how the inscriptions on the tiles of Takht-e Soleiman, as an example of Ilkhanid architectural decoration, can be considered a manifestation of Iranian identity. To answer this question, one hundred pieces of poetry from the inscriptions of Takht-e Soleiman were analyzed thematically in terms of their connection to Iranian identity. The results indicate that the poems on the tiles of Takht-e Soleiman represent a kind of non-passive reaction by Iranians to preserve their Iranian identity, on the one hand, in the face of the Mongol invasion and, on the other hand, the increased interactions with other peoples following the unification of the Silk Road. The use of Persian poetry and mythology, along with the employment of ancient Iranian concepts, reflects Iranian identity in the decorations of this building and serves as an artistic-literary tool against emerging non-Iranian cultural currents. Examining the connection between the Persian poetry of the tiles and Iranian identity can help us better understand the role of art and literature as cultural tools in preserving identity during turbulent periods and provides a practical example of cultural resilience in the face of change.

**Keywords:** Iranian identity, cultural encounter, Persian poetry, tiles of Takht-e Soleiman, Stuart Hall's theory

---

\* PhD Candidate in Art Research, Faculty of Research Excellence in Art and Entrepreneurship, Art University of Isfahan  
*Narges.tmy@gmail.com*

\*\* Assistant professor, Faculty of Visual Arts, Art University of Isfahan (Corresponding author). *am. rad@aui.ac.ir*